

## تأثیر سیاست‌گذاری‌های شهری بر اسکان غیررسمی با رویکرد ساختارگرایانه (مورد مطالعاتی: منطقه ۵ شهرداری شهر تهران)

فاطمه ادیبی سعدی نژاد<sup>۱</sup>، مرتضی پورزارع<sup>۲</sup>، حسن رضایی<sup>۳\*</sup>، سیدحسین هاشمی‌ناسب<sup>۴</sup>

۱. دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. استادیار، گروه جغرافیا، دانشگاه افسری امام علی<sup>(ع)</sup>، تهران، ایران.
۳. استادیار، گروه جغرافیا، دانشگاه افسری امام علی<sup>(ع)</sup>، تهران، ایران.
۴. دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۹

### The Effect of Urban Policymaking on Informal Settlements with Structuralist Approach (Study Case: District 5 of Tehran Municipality)

Fatemeh Adibi Saadi Nejad<sup>1</sup>, Morteza Pourzare<sup>2</sup>, Hasan Rezaei<sup>3\*</sup>, Seyed Hossein Hashemi Nasb<sup>4</sup>

1. Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Geography, Imam Ali military University, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Geography, Imam Ali military University, Tehran, Iran.
4. Ph.D student, Department of Geography and Urban Planning, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 2023/-/-

Accepted: 2023/-/-

#### مقاله علمی

#### Abstract

Informal settlements are an unusual phenomenon that affects most large cities and megacities and causes numerous socio-economic and environmental damages. Coping and organizing therefore requires significant costs in various dimensions. The aim of this study was to examine the impact of urban policies on informal housing using a structuralist approach in District 5 of Tehran city. The current research is generic and correlationally applicable in terms of research methodology. The statistical population covered in this study covers five urban areas of Tehran in the northwest of Tehran, and out of the seven districts of this district, three consist of eight districts, and among these districts, three are Hesarak, Moradabad and Kohsar (Farahzad), which was examined as a statistical population due to the existence of informal settlements. For this purpose, in a representative correlational study with 120 decision-makers, officials and experts dealing with the subject of the study area, all were selected as subjects and a questionnaire developed by the researcher was prepared with 26 questions with 5 options, thus guaranteeing their validity and reliability, were among the most widespread. The obtained data were analyzed using spss software, Pearson correlation coefficient test ( $r$ ) and multiple regression analysis. The results show that there is a positive and significant relationship between the factors of urban land law, settlement establishment and housing policy, and urban and urban development informal planning institutes in

#### چکیده

اسکان غیررسمی پدیده ناپهناجاری است که معضل اکثر شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها بوده و آسیب‌های اجتماعی-اقتصادی و زیست محیطی عیدهای دربی دارد بر همین اساس مقابله با آن و ساماندهی آن نیازمند صرف هزینه‌های سنگین در ابعاد گوناگون است. هدف از تحقیق حاضر به تأثیر سیاست‌گذاری‌های شهری بر اسکان غیررسمی با رویکرد ساختارگرایانه در منطقه ۵ شهرداری شهر تهران پرداخته شد. تحقیق حاضر از نظر نوع کاربردی بوده و از نظر روش‌شناسی تحقیق همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق در برگیرنده منطقه پنج شهرداری شهر تهران واقع در شمال غرب تهران بوده و از بین نواحی هفت‌گانه آن ناحیه سه مشتمل بر ۸ محله و از بین محله‌های آن سه محله‌های حصارک و مرادآباد و کوهسار (فرحزاد) که با توجه به وجود بافت اسکان غیررسمی در آن به عنوان جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفتند. به این منظور در یک تحقیق همبستگی نمونه‌ای مشتمل بر ۱۲۰ نفر از سیاست‌گذاران، مسئولین و کارشناسان مرتبط با موضوع در منطقه مورد مطالعه به صورت تمام شمار به عنوان آزمودنی انتخاب و پرسشنامه محقق ساخته شامل ۲۶ سوال ۵ گزینه‌ای تهیه و پس از اطمینان از اعتبار و روایی آن بین آنها توزیع گردید. داده‌های حاصله با استفاده از نرم افزار spss و از طریق آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون ( $r$ ) و تحلیل رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصله بیانگر آن است که: بین عوامل قوانین زمین شهری موجود، ایجاد شهرک‌های جدید و سیاست‌های مسکن و طرح‌های شهری و اسکان غیررسمی در منطقه ۵ شهرداری شهر تهران رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح

E-mail: rezaei.hasan1363@gmail.com

\*نویسنده مسئول: حسن رضایی

\*Corresponding Author: Hasan Rezaei

District 5 of Tehran city with a confidence level of 99%. East. In other words, these factors have led to an increase in informal housing construction in this area of Tehran, and a total of 62% of the variance of the informal housing phenomenon can be explained by the three factors of urban land law, the formation of new settlements people, as well as housing policy and urban planning.

#### Keywords

Urban policies, Informal housing, structuralist, Urban Land Laws, Tehran city.

اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. به عبارت دیگر این عوامل موجب افزایش اسکان غیررسمی در این منطقه از شهر تهران گردیده و در مجموع می‌توان ۶۲ درصد از واریانس وجود پدیده اسکان غیررسمی را به وسیله عوامل سه گانه قوانین زمین شهری، ایجاد شهرک‌های جدید و سیاست‌های مسکن و طرح‌های شهری تبیین نمود.

#### واژگان کلیدی

سیاست‌گذاری‌های شهری، اسکان غیررسمی، ساختارگرایانه، قوانین زمین شهری، شهر تهران.

#### مقدمه

در سطح جهانی، جمعیت بیشتری در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی زندگی می‌کنند. در سال ۲۰۱۴، ۵۴ درصد از جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی می‌کردند و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که این تا سال ۲۰۵۰ به ۶۶ درصد افزایش خواهد یافت (United Nations, 2014). افزایش رشد جمعیت و شهرنشینی پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰، ۲.۵ میلیارد نفر به جمعیت شهری جهان اضافه شود که نزدیک به ۹۰ درصد از این افزایش در آسیا و آفریقا متمرکز شده است (Magina et al., 2020). ده شهری که پیش‌بینی می‌شود بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۳۰ به ابرشهر تبدیل شوند، همگی در کشورهای در حال توسعه قرار دارند. رشد سریع جمعیت شهری نیز منجر به توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی در اکثر شهرهای جهان شده است (United Nations, 2016). به غیر از رشد سریع جمعیت، سایر علل اصلی غیررسمی شامل مسائل مربوط به گمانه زنی‌های فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی و رشته‌های برنامه‌ریزی شهری است. از منظر اجتماعی، افرادی که در سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند، در دسترسی به خدمات و امکانات زیرساخت اجتماعی اولیه مشکل دارند (Kyessi, 2002, Kyessi, 2014). برآوردها نشان داده است که ۲۵ درصد از جمعیت شهری جهان در سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند که از سال ۱۹۹۰ تاکنون ۲۱۳ میلیون ساکن سکونتگاه‌های غیررسمی به جمعیت جهان اضافه شده است (Sandoval & Sarmiento., 2020: 731).

اسکان غیررسمی، نوعی سکونت در فضای شهری است که در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و حقوقی با سایر انواع سکونت موجود در شهر تفاوت‌های اساسی را نشان می‌دهد و ساکنان این بافت‌ها را گروه‌های کم‌درآمد و مهاجران روستایی تشکیل می‌دهند. این بافت‌های خودرو که با سرعت ساخته شده‌اند فاقد ایمنی، استحکام، امنیت اجتماعی، خدمات و زیرساخت‌های شهری هستند (ترکمن‌نیا و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵). مسکن غیرمعمول، خیابان‌ها و کوچه‌های تنگ باریک، مشکلات زیست محیطی و بهداشتی، فزونی و تراکم جمعیت، فقر فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی، آسیب‌پذیری بالا در برابر حوادث طبیعی، سطح پایین برخورداری امکانات و تسهیلات زندگی، عدم برخورداری لازم از امکانات، تأسیسات و خدمات شهری، اشتغال غالب در مشاغل غیررسمی، تصرف و عدم مالکیت قانونی بر زمین و... از ویژگی‌های اسکان غیررسمی محسوب می‌شود (ارژنگی و محمدی، ۱۳۹۹: ۶۶). بنابراین اسکان غیررسمی دارای مفهوم نسبی است و بنابر مقتضیات زمانی و مکانی از ویژگی‌های متفاوتی برخوردار است و در مقایسه با محیط پیرامون خود به اثبات می‌رسد (شکوهی، ۱۳۸۵: ۱۳۴).

حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی پدیده‌ای است که مثل هر مسئله اجتماعی دیگر به کندی شکل می‌گیرد و در آغاز حساسیتی را بر نمی‌انگیزد، ولی زمانی که گسترش یافته و به نوعی از شیوه سکونت‌گروهی از مردم تبدیل می‌شود، توجه گروه‌های اجتماعی، انتظامی و مدیریتی را بر می‌انگیزد تا برای جلوگیری از رشد و گسترش آنها راه‌حل‌های شتاب‌آلود و در مواردی به صورت قلع و قمع تصمیم‌گیری نمایند (Abascal et al., 2022: 157).

در قالب دیدگاه‌های ساختاری نیز مسئله حاشیه‌نشینی کاملاً قابل تحلیل است، زیرا که مجموعه علل پدید آورنده آن ریشه در مسایل درونی خود جوامع دارند، از جمله انفجار جمعیت و همچنین مسایل تحمیلی و استثمار و وابستگی‌های مرکز-پیرامون در تمام رده‌ها و سلسله مراتب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تأثیر عمیقی بر افزایش نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها دارند (Abebe., 2011)، اطهاری، ۱۳۸۱: ۲۵۱).

اسکان غیررسمی در سال‌های اخیر با دگرگون شدن شرایط جهانی و شرایط داخلی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی به مصداق‌هایی

پیچیده تبدیل شده که توصیف و تبیین پدیده مورد نظر خارج از توان است. اگر در اواسط دهه پنجاه چنین سکونتگاه‌هایی با سیمای کالبدی نابسامان و البته در مقیاس بسیار محدود به مثابه نمادی از فقر مطلق و بی‌عدالتی اجتماعی و با عنوان‌هایی از قبیل حلبی‌آباد یا گودنشین‌ها؛ دلایل شکل‌گیری آنها ساختاری عنوان می‌شد اکنون به نظر می‌رسد که ترکیبی از زندگی رسمی و غیررسمی در این محلات به چشم می‌خورد (کارگر و سرور، ۱۳۹۰: ۷۳). مسأله حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی با هر اسم و عنوانی که مطرح می‌شود در کشور ایران نیز رخنمون دارد. در ابتدا با کم‌اهمیت شمردن آن جدی تلقی نشد، ولی به تدریج آثار سوء آن ظاهر گردید و فکر برخورد با این پدیده پیش آمد. تخریب ساخت و سازهای غیرمجاز، صاف کردن کوی‌ها و محله‌های متعدد در حاشیه شهرها و به ویژه حاشیه کوره‌پز خانه‌ها، قلع و قمع گودها و گودنشین‌ها پیش آمد ولی راه به جایی نبرد. به طور کلی، اسکان غیررسمی در ایران پدیده‌ای روبه رشد است و در حقیقت یک نوع شیوه زندگی خاص محسوب می‌شود که چهره اکثر شهرهای ایران به‌ویژه شهرهای بزرگ مقیاس کشور دارای نمادها و نشانه‌هایی از این پدیده هستند.

بررسی روند رشد جمعیتی شهر تهران حاکی از مثبت بودن رشد آن است. یکی از مشکل‌هایی که شهرها با افزایش جمعیت با آن مواجه می‌شوند، ایجاد سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد که امروزه از بارزترین مشکلات شهرنشینی است. روند سریع شهرنشینی در شهر تهران نیز منجر به بروز پدیده‌ی اسکان غیر رسمی در این شهر شده است. این پدیده به زعم مقامات شهری از مشکل‌های عمده شهر می‌باشد که تأثیر نامطلوبی بر توسعه شهری داشته و معضلاتی چون بیکاری، مشکلات اجتماعی، فرهنگی و غیره را به دنبال دارد. به دلیل اینکه مشکلات مذکور به مرور سایر مناطق شهر را نیز تحت تأثیر قرار داده و میزان رشد و پیشرفت آن را تا حد قابل توجهی کاهش می‌دهد، لذا مطالعه‌ی سکونتگاه‌های غیر رسمی و شاخص‌های سیاست‌گذاری‌های شهری در این شهر جهت توسعه‌ی پایدار شهری ضروری به نظر می‌رسد. یکی از محلات غیررسمی در سطح شهر تهران منطقه ۵ می‌باشد. لذا در این تحقیق با تأکید بر شاخص‌های سیاست‌گذاری‌های شهری شامل قوانین زمین شهری، ایجاد شهرک‌های جدید و سیاست‌های مسکن و طرح‌های شهری، سعی می‌شود به بازنمایی برخی از ویژگی‌های اسکان غیررسمی به عنوان یک آسیب کالبدی که نمودی از بازتاب فیزیکی نابرابری اجتماعی است، پرداخته شود.

## چارچوب نظری

محققان مختلف برای تعریف سکونتگاه‌های غیررسمی از تعاریف و پارامترهای متفاوتی استفاده کرده‌اند. این پارامترها شامل ماهیت مالکیت زمین، میزان انطباق با مقررات برنامه‌ریزی و ساختمان، استانداردهای مسکن و امکانات اولیه، کیفیت محیط فیزیکی و وضعیت اجتماعی-اقتصادی ساکنان می‌باشد (Zhang., 2011). استفاده از پارامترها در تعریف سکونتگاه‌های غیررسمی منجر به این شده است که آنها معمولاً با آنچه که کمبود دارند و نه با آنچه هستند تعریف می‌شوند (Durand-Lasserre., 2006). سکونتگاه‌های غیررسمی علی‌رغم تفاوت‌هایشان در شهرها و کشورها، عموماً با کمبود مزمون خدمات زیرساختی اساسی، مسکن پست، مسکن‌های غیرقانونی، تصرف غیرقانونی یا ناامن زمین، تراکم ساخت‌وساز بالا، شرایط بهداشتی نامناسب، فقر، محرومیت اجتماعی، تولید شخصی مشخص می‌شوند. و توسعه تدریجی (Dovey et al., 2020 Huchzermeyer, 2003, United Nations, 2015).

تغییرات در مفهوم کلی سکونتگاه‌های غیررسمی بر جنبه تصدی سکونتگاه یا فرآیند تحویل مسکن متمرکز شده است. از منظر تصدی، سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان مناطق مسکونی بدون برنامه‌ریزی تعریف شده‌اند که در آن مسکن، سرپناه و خدمات در زمین‌هایی ساخته شده است که ساکنان آن ادعای قانونی ندارند یا به طور غیرقانونی آن را اشغال کرده‌اند (United Nations, 2014). از منظر فرآیند تحویل مسکن، سکونتگاه‌های غیررسمی مناطقی هستند که بدون رویه‌های برنامه‌ریزی فضایی رسمی از تملک زمین، تهیه و تصویب طرح، طراحی و استقرار خدمات، تخصیص زمین و توسعه رونمایی توسعه یافته‌اند (Dialogue on Shelter and Zimbabwe, Homeless People's Federatio., 2014).

تعاریف مختلفی از سکونتگاه‌های غیررسمی ارائه شده در بالا مفهومی چند بعدی با جنبه‌های فیزیکی، اجتماعی-اقتصادی و حقوقی به آن می‌دهد (Fernandez., 2011). سکونتگاه‌های غیررسمی را استفاده غیرمجاز از زمین، سکونتگاه‌های غیرمجاز اغلب با تراکم بالا، ساختمان‌های غیرمجاز که با استانداردهای تجویز شده مطابقت ندارند و اشغالی که از تهاجم زمین سرچشمه می‌گیرد، مشخص می‌شود (Huchzermeyer., 2003). منشأ آنها به اخراج‌های خودسرانه توسط دولت، دسترسی سیاسی شده به زمین شهری، تهاجم به زمین و رقابت احزاب سیاسی برای کنترل مناطق شهری در زمینه‌ای که در آن زمین به عنوان منبع سیاسی استفاده شده است، نسبت داده شده است (Matamanda., 2020, Muchadenyika., 2015, United Nations, 2019).

### نظریه‌ها و دیدگاه‌های شکل‌گیری اسکان غیررسمی و سکونتگاه‌های حاشیه‌ای

در تحلیل شکل‌گیری اسکان غیررسمی و سکونتگاه‌های حاشیه‌ای تاکنون نظریه‌های مختلفی ارائه شده و پژوهشگران براساس دیدگاه‌های مختلفی این پدیده را تبیین و دلایلی مختلف از جمله مهاجرت، فقر، بی‌کاری، کمبود مسکن روابط مرکز - پیرامون، وابستگی و ... را جهت تبیین شکل‌گیری اسکان غیررسمی ارائه کرده‌اند.

دیدگاه‌های نظری شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی به طور کلی جهت تبیین شکل‌گیری اسکان غیررسمی، سه دسته نظریه اصلی می‌توان دسته‌بندی نمود که عبارتند از:

دیدگاه‌های لیبرالی (نزدیک به سرمایه‌داری غربی): در این دیدگاه به طور عمده بر جنبه‌های اقتصادی - اجتماعی و فیزیکی اسکان غیررسمی تأکید شده و ویژگی الگوی رشد اقتصادی نامتعادل مورد توجه قرار گرفته است. در واقع در این دیدگاه نگرش به مسأله خرده بوده و در آن به عوامل درونی پرداخته شده است و نقش عوامل بیرونی در شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی کمتر مورد توجه قرار گرفته است (ارژنگی و محمدی، ۱۳۹۹: ۶۵)

دیدگاه‌های رادیکال یا وابستگی (نزدیک به ساختارگرایان): به باور اندیشمندان مکتب وابستگی، توسعه نیافتگی و شکل‌گیری سکونتگاه‌های اقشار فقیرنشین برآمده از ویژگی‌های درونی ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورهای در حال توسعه یا توسعه نیافته نیست، بلکه در پیوند با کشورهای پیشرفته (متروپل) از طریق روابط اقتصادی و سیاسی است که به توسعه دومی به قیمت عقب‌ماندگی و بروز مسائل حاد داخلی در کشورهای توسعه نیافته (قمر) انجامیده است (حاج‌بوسفی، ۱۳۸۱: ۱۷).

دیدگاه‌های جامعه‌گرایان جدید (نزدیک به تفکرات خط سوم): دیدگاه سوم، پیدایش اسکان غیررسمی را برآمده از عملکرد روند طبیعی تضاد میان کار و سرمایه و پیامدهای قهری عملکرد قوانین حاکم بر نظام اقتصاد سرمایه‌داری، یعنی تمرکز و انباشت سرمایه و رشد ناموزون اقتصادی و در نتیجه پیدایش جامعه طبقاتی می‌داند (ارژنگی و محمدی، ۱۳۹۹: ۶۵). از این رو آن را مولود و ساختاری تعبیر می‌نماید که به حاشیه راندن فقرا در سکونتگاه‌های فقرزده را باعث می‌شود و پیوسته آن را باز تولید می‌کند. در این محث، نظریات و دیدگاه‌های شکل‌گیری اسکان غیررسمی مرتبط با دیدگاه ساختارگرا ارائه می‌شود.

### دیدگاه‌های ساختارگرایانه

نظریه‌پردازان در این دیدگاه، اساساً متوجه ساختار و ریشه‌های پدیده حاشیه‌نشینی‌اند و بیش از هرچیز آن را به «ساز و کارهای نظام سرمایه‌داری» و پیامدهای شکل خاصی از آن در برخورد با شرایط ویژه کشورهای جهان سوم نسبت می‌دهند. براساس این دیدگاه، شکل شهرنشینی، الگوی توسعه اقتصادی - اجتماعی و در نتیجه «الگوی توسعه شهری» زمینه‌ساز پدیده است و با تمرکز جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در یک یا چند شهر اصلی و فقدان سلسله مراتب در نظام شهری و سکونتگاهی و در نتیجه فاصله عمیق شهر و روستا مهاجرت‌های گسترده روستا به شهر را برانگیخته که این امر در برخورد با زیرساخت‌ها و شیوه‌های تولید شهرهای جهان سوم منجر به شکل‌دهی پدیده حاشیه‌نشینی می‌شود. این دیدگاه، راه‌حل‌ها و راهکارهایی لازم برای ساماندهی و بهسازی زندگی و سکونت در کانون‌های حاشیه‌نشین را ارائه نمی‌کند، بلکه غالباً تنها راه‌حل مسئله را در تغییر ساختار حاکم بر کار، تولید، توزیع و مصرف، و در مجموع ساخت اقتصادی و نیز تغییر بنیادین جوامع می‌بیند. آنها نسخه‌های مقطعی و موردی را فاقد کارایی لازم می‌دانند. آنها مسئله را به هیچ وجه کجروی از دامنه نظم اجتماعی مسلط ندانسته و بلکه بر ارتباط تنگاتنگ بین نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه و شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها تأکید دارند (Ayeb-Karlsson., 2020).

به طور کلی جغرافیای ساختاری به منزله یک فرآیند در جستجوی شناخت کیفیت، توزیع منابع کمیاب، مثل زمین شهری، ثروت کشور، توزیع درآمد میان مردم و ... می‌باشد. در جغرافیای ساختاری پدیده‌های مشهود جغرافیایی نتیجه عملکرد نیروهای منحصر به فرد و خلق‌الساعه نمی‌باشد، بلکه این پدیده‌های جغرافیایی حاصل یک رشته ساز و کارهای ریشه‌داری است که در طول زمان بوجود آمده‌اند و شکل‌گیری خود را از ساختارهای پنهان و آشکار اخذ می‌نمایند. در جغرافیای ساختاری شرایط و ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر توزیع ثروت، درآمد و قدرت حاکمیت دارند و این ساختارها شیوه زندگی و مسیر تحرک اجتماعی انسان را تعیین می‌کنند، در جغرافیای ساختاری دو گانگی روابط میان ساختار و عاملیت (انسان) و پیوستگی میان این دو در زمان و فضا تبیین می‌شود (شکویی، ۱۳۸۰: ۱۶۹).

## پیشینه تحقیق

سابقه برخورد و بررسی وضعیت سکونتگاه‌های غیررسمی در کشور ایران پیشینه‌ای طولانی دارد و به طور نسبی در اکثر پروژه‌ها سمت و سوی اقدامات فقر محور و بحران محور بوده است.

آبسکال<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۲)، در مطالعه‌ای به بررسی حوزه‌های چارچوب محرومیت<sup>۲</sup> برای نقشه‌برداری زاغه‌ها، سکونتگاه‌های غیررسمی و سایر مناطق محروم برای بهبود برنامه‌ریزی و سیاست شهری پرداختند و نتایج نشان داد که چارچوب حوزه‌های محرومیت، شامل نه حوزه، (۱) وضعیت اجتماعی-اقتصادی (۲) دامنه‌های مسکن (۳) مخاطرات و دارایی‌های اجتماعی، (۴) مخاطرات و دارایی‌های فیزیکی، (۵) شهرنشینی برنامه‌ریزی نشده (۶) آلودگی (در مقیاس منطقه) (۷) زیرساخت، (۸) تسهیلات و خدمات (۹) حکمرانی شهر (مقیاس اتصال منطقه) می‌باشد.

ودکرافت<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی مسیریابی به سوی "زندگی خوب": تولید مشترک تحقیقات رفاه در سکونتگاه‌های غیررسمی در تانزانیا بررسی کردند و این کار با تولید مشترک یک رویکرد روش‌شناختی مورد توافق و مرتبط برای مطالعه، و مستندسازی و تحلیل بعدی آن، به بینش‌های تجربی ارزشمندی در مورد ظرفیت‌ها و قابلیت‌های جوامع محلی برای شکل‌دهی و تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری شهری کمک می‌کند و تنوع تجارب و فرآیندهای شهری موجود در شهرهای قرن بیست و یکم را بهتر توضیح می‌دهد.

سینهاروی<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۹) در یک مطالعه مروری به بررسی عوامل و موانع سیاست‌های آب و فاضلاب برای سکونتگاه‌های غیررسمی شهری در کشورهای کم‌درآمد و متوسط در بین سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۸ پرداختند و نتایج پژوهش آنها نشان داد که مهم‌ترین موانع عبارتند از اقتصادی، فضایی، اجتماعی، نهادی، سیاسی و اطلاعاتی می‌باشد و حصول اطمینان از سیاست‌های پاسخگوی آب و فاضلاب برای سکونتگاه‌های غیررسمی نیازمند همکاری بین رشته‌ای و رویکردهای بالا به پایین و پایین به بالا است.

وینمن و اونی<sup>۴</sup> (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای به بررسی مرور نظام‌مند از تأثیر سلامت سکونتگاه‌های غیررسمی شهری و پیامدهای مداخلات ارتقاء یافته در آفریقای جنوبی پرداختند و نتایج نشان داد که سکونتگاه‌های غیررسمی خطرات سلامتی را به‌ویژه برای جمعیت‌های آسیب‌پذیر مانند کودکان، سالمندان و افرادی که سیستم ایمنی سرکوب شده دارند، به همراه دارد و احتمالاً نابرابری‌های مرتبط با جنسیت را تشدید می‌کند. با توجه به تعامل پیچیده بین سلامت و عوامل محیط ساخته شده، نیاز به تحقیقات بیشتر با استفاده از یک رویکرد سیستمی برای ایجاد شواهدی وجود دارد که عوامل مرتبطی را که به طور طولی بر سلامت در زمینه ارتقای سکونتگاه‌های غیررسمی در شهرهای با رشد سریع در سراسر جهان تأثیر می‌گذارند، بررسی می‌کند.

ارژنگی مستعلی بیگلر و محمدی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان انتخاب راهکار مناسب ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی با استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره پرداختند و نتایج نشان داد که ۱۱ معیار ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیرگذار می‌باشد که در ۳ معیار بهبود کیفیت مسکن و معابر، عملیاتی بودن و مشارکت مالک با شهرداری از بیشترین اهمیت و تأثیر در انتخاب مناسبترین راهکار برای ساماندهی محله‌ی ایراناآباد برخوردار بوده‌اند. از بین رویکردهای مختلف ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، رویکرد برنامه‌ریزی اجتماع - مبنا بهترین گزینه ساماندهی محله‌ی ایران آباد می‌باشد.

پاک‌نژاد (۱۳۹۹) به مطالعه تطبیقی تجارب جهانی در سیاست‌گذاری‌های ساماندهی اسکان غیررسمی پرداخت، نتایج این پژوهش برای ساماندهی اسکان غیررسمی ایران استفاده از سیاست‌گذاری‌های ترکیبی با توجه به عوامل کلیدی از جمله ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی زاغه‌نشینان از نهاد خانواده تا نهادهای کلان، حفظ منافع و مقاصد تمام گروه‌ها، ارتقاء شرایط محیطی به شکلی فراگیر و پایدار، بهره‌گیری از رویکرد مشارکتی همراه با ساختار پشتیبانی دولت و سازمان‌های محلی، همخوانی با توانایی‌های مکانی و نهادی است.

رشیدی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تحلیل سیاست‌های شهری مواجهه با اسکان غیررسمی در ایران پرداخت بر اساس یافته‌های تحقیق، نظام برنامه‌ریزی شهری از طریق قوانین و اسناد مصوب بالادستی در کنار سایر عوامل، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری پدیده اسکان غیررسمی در شهرهای ایران باشد. در این بین ارجاع ایدئولوژیک به امور واقعی همچون پایین بودن میزان شاخص‌های توسعه انسانی همچون مهارت، سواد و...، نداشتن مهارت پایین در ارتباط‌گیری با مدیران شهری و عدم توانایی در صورت‌بندی مناسب از مسائل‌شان،

1. Abascal

2. Woodcraft

3. Sinharoy

4. Weimann & Oni

سعدی‌نژاد و همکاران: تأثیر سیاست‌گذاری‌های شهری بر اسکان غیررسمی با رویکرد ساختارگرایانه ....

توانایی اقتصادی پایین ساکنین، بیگانگی با فرهنگ شهروندی و خاستگاه روستایی آنها تنها می‌تواند سرپوشی بر ناتوانی نظام‌های برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهری در نحوه برخورد با این مساله شهری در جامعه ایران معاصر باشد.

زالی و همکاران (۱۳۹۴) به ارزیابی و نقدی بر طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شیراز؛ مطالعه موردی محله مهدی‌آباد پرداختند و نتایج نشان داد که طرح توانمندسازی محله در مسیر دستیابی به اهداف خود تا حال حاضر موفق نبوده، و مهم‌ترین علل آن وجود نگرش آمرانه در مراحل تهیه، تصویب و اجرای طرح است که ناقض مهم‌ترین اصول توانمندسازی یعنی مشارکت محوری و نهادسازی و آگاه‌سازی است.

خاک‌پور و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی اسکان غیررسمی، ناهنجاری‌های شهری و راهکارهای تعدیل آن نمونه موردی: شهرک توحید بندرعباس پرداختند، یافته‌های کلی تحقیق عبارتند از: ۱- موفقیت ساماندهی اسکان غیررسمی در گرو اتخاذ سیاست‌های ملی مرتبط با موضوع برای رفع عدم تعادل‌های ساختاری جوامع شهری است. ۲- اولویت داشتن سیاست ساماندهی در محل با تأکید بر راهبرد توانمندسازی در سال‌های اخیر با توجه به عدم موفقیت سیاست‌های دیگر تجربه شده، حتی در حادث‌ترین مناطق اسکان غیررسمی بویژه از لحاظ شرایط طبیعی و توپوگرافی، دوری از شهر و ۳۰۰۰- میزان موفقیت سیاست‌های بالا در گرو حمایت‌های اولیه و پشتیبان دولت و نهادهای مدیریت شهری می‌باشد.

## روش انجام پژوهش

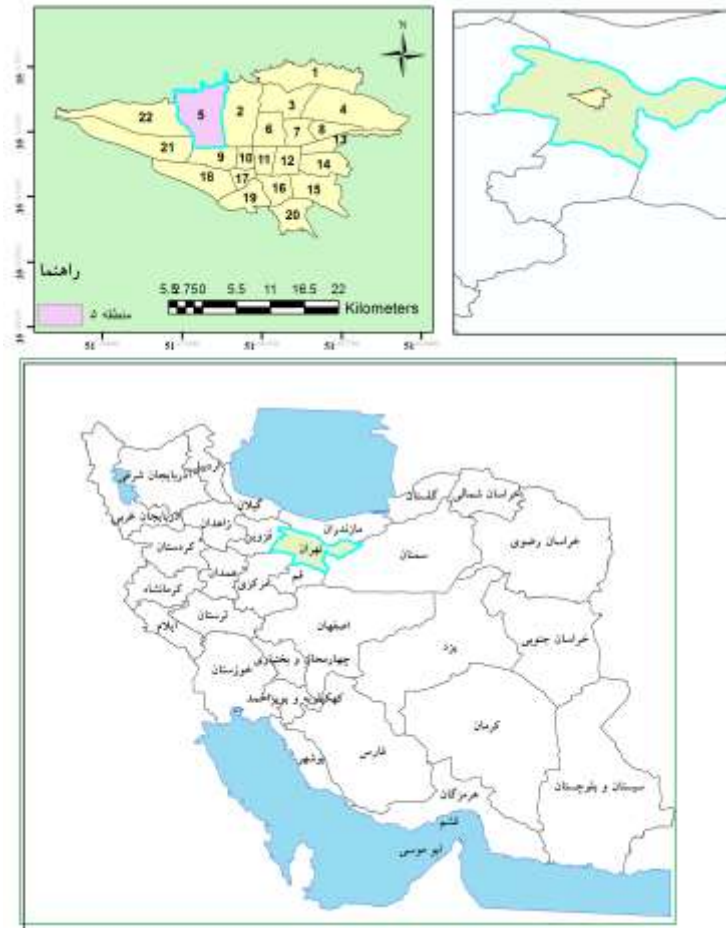
تحقیق حاضر از نظر نوع کاربردی بوده و از نظر روش‌شناسی تحقیق همبستگی می‌باشد و در آن رابطه و سهم هر یک از گویه‌های سیاست‌های مسکن و طرح‌های شهری، ایجاد شهرک‌های جدید و قوانین زمین شهری بر اسکان غیررسمی مورد بررسی قرار گرفته است. در تحقیق حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به اسکان غیررسمی و نیز توصیف منطقه مورد مطالعه از طریق فیش‌برداری با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی شامل مطالعه کتب و پایان‌نامه‌ها و مراجعه به سایت شهرداری تهران بهره‌برداری و برای بررسی نقش سیاست‌گذاری شهری بر اسکان غیررسمی از طریق مطالعه میدانی و تنظیم پرسشنامه محقق ساخته به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شده است. این پرسشنامه در برگیرنده اسکان غیررسمی به عنوان متغیر وابسته و قوانین زمین شهری، ایجاد شهرک‌های جدید، سیاست‌های مسکن و طرح‌های شهری به عنوان متغیرهای مستقل می‌باشد. هر یک از عوامل سه‌گانه فوق و نیز وضعیت اسکان غیررسمی شامل چند مؤلفه می‌باشد. لازم به توضیح است که این مؤلفه‌ها ابتدا از چارچوب نظری و ادبیات پژوهش استخراج گردیده و سپس به کارشناسان و صاحب‌نظران امر ارائه و مواردی که در مورد آنها توافق نظر وجود داشت به عنوان مؤلفه هر عامل برگزیده شد. جامعه آماری این تحقیق در برگیرنده منطقه پنج شهرداری شهر تهران واقع در شمال غرب تهران بوده و از بین نواحی هفت‌گانه آن ناحیه سه مشتمل بر ۸ محله و از بین محله‌های آن سه محله‌های حصارک و مرادآباد و کوهسار (فرحزاد) که با توجه به وجود بافت اسکان غیررسمی در آن به عنوان جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفتند. علاوه بر این جامعه آماری تحقیق حاضر با عنایت به تخصصی بودن موضوع شامل کلیه مسئولین و کارشناسان شاغل در این ناحیه و همچنین سیاست‌گذاران، مسئولین و کارشناسان مرتبط با موضوع در منطقه ۵ شهرداری شهر تهران می‌باشند که برابر بررسی‌های به عمل در مجموع تحقیق حاضر شامل ۱۲۰ نفر می‌باشد. با توجه به محدودیت جامعه آماری و نیز تخصصی بودن موضوع تحقیق، در این تحقیق نمونه‌گیری به صورت تمام شمار بوده و کلیه اعضای جامعه آماری به عنوان نمونه آماری مورد مطالعه قرار گرفتند. ولی با عنایت به اینکه لازمه انجام تحقیقات همبستگی را حداقل ۳۰ نفر و تحقیقات زمینه‌یابی را حداقل ۱۰۰ نفر می‌باشد، بنابراین تعداد ۱۲۰ نفر از سیاست‌گذاران، مسئولین و کارشناسان مرتبط با موضوع در منطقه ۵ شهرداری شهر تهران برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر کفایت نموده‌اند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از شاخص‌های آمار توصیفی برای توصیف داده‌ها و برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون (r) و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شده است. لازم به توضیح است که تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق نرم افزارهای آماری SPSS انجام شد.

## محدوده مورد مطالعه

منطقه پنج شهرداری تهران واقع در شمال غرب تهران بوده و از بین نواحی هفت‌گانه آن ناحیه سه مشتمل بر ۸ محله و از بین محله‌های آن سه محله‌های حصارک و مرادآباد و کوهسار (فرحزاد) که با توجه به وجود بافت اسکان غیررسمی در آن به عنوان جامعه آماری مورد بررسی خواهد گرفت. این منطقه با مساحت تقریبی ۵۴/۲۸ کیلومتر مربع، جمعیتی بالغ بر ۸۵۶۵۶۵ نفر را در خود جای داده است.

منطقه ۵ از شرق همسایه منطقه ۲، از جنوب مجاور منطقه ۹ و از غرب در مجاورت مناطق ۲۱ و ۲۲ می‌باشد. بر اساس تقسیمات داخلی ملاک عمل شهرداری در وضع موجود منطقه ۵ از ۷ ناحیه و ۲۹ محله تشکیل شده است. در بین نواحی هفت گانه منطقه، ناحیه ۳ با بیشترین مساحت مشتمل بر ۸ محله و ناحیه ۵ با کمترین مساحت از ۳ محله تشکیل شده است (شکل ۱).



شکل ۱. موقعیت محدوده مورد مطالعه در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران

## یافته‌ها

در ابتدا برای سنجش میزان اثر عوامل و انجام آزمون مربوط به آن، ابتدا باید نرمال بودن توزیع داده‌ها را مشخص کرد که یکی از روش‌های نرمال بودن، آزمون کولموگروف - اسمیرونوف می‌باشد که در آن سطح معنی‌داری باید بیشتر از مقدار ۰/۰۵ باشد، لذا در این تحقیق پیش فرض نرمال بودن توزیع متغیرها رعایت شده است.

جدول ۱. نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرونوف در مورد پیش فرض، نرمال بودن توزیع نمرات متغیرهای تحقیق

نرمال بودن توزیع نمرات	Z کولموگروف اسمیرونوف	سطح معنی‌داری
قوانین زمین شهری	۱/۲۸	۰/۰۷۴
ایجاد شهرک‌های جدید	۱/۱۹	۰/۱۱۴
سیاست‌های مسکن و طرح‌های شهری	۱/۱۷	۰/۱۲۷

در جدول ۲، شاخص‌های آمار توصیفی متغیرهای تحقیق حاضر (اسکان غیررسمی، قوانین زمین شهری، ایجاد شهرک‌های جدید، سیاست‌های مسکن و طرح‌های شهری) را نشان می‌دهد. نتایج توصیفی تحقیق بیانگر آن است که ۳۷ درصد از پاسخ‌دهندگان وضعیت

سعدی نژاد و همکاران: تأثیر سیاست‌گذاری‌های شهری بر اسکان غیررسمی با رویکرد ساختارگرایانه ....

اسکان غیررسمی را در منطقه بیش از حد معمول توصیف نموده‌اند؛ ۵۰ درصد از پاسخ‌دهندگان تأثیر قوانین شهری در اسکان غیر رسمی منطقه را زیاد ارزیابی نموده‌اند؛ ۶۶ درصد از پاسخ‌دهندگان تأثیر ایجاد شهرک‌های جدید در اسکان غیر رسمی منطقه را زیاد ارزیابی نموده‌اند و ۶۳ درصد از پاسخ‌دهندگان تأثیر سیاست‌های مسکن و طرح‌های شهری در اسکان غیررسمی منطقه را زیاد ارزیابی نموده‌اند.

**جدول ۲. توزیع فراوانی شاخص‌های آمار توصیفی متغیرهای تحقیق**

ردیف	نام متغیر	تعداد	دامنه	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار	واریانس
۱	قوانین زمین شهری	۱۱۹	۲۵	۱۵	۴۰	۲۸/۳۱	۵/۸۰۶	۳۳/۷۰۸
۲	ایجاد شهرک‌های جدید	۱۱۹	۱۹	۱۶	۳۵	۲۶/۱۶	۴/۱۱۱	۱۶/۸۹۸
۳	سیاست‌های مسکن و طرح‌های شهری	۱۱۹	۲۲	۱۳	۳۵	۲۶/۷۸	۵/۳۹۶	۲۹/۱۲۱
۴	اسکان غیررسمی	۱۱۹	۲۴	۹	۳۳	۲۰/۲۵	۵/۲۹۷	۲۸/۰۵۵

برای سنجش میزان ارزیابی عوامل چهارگانه (قوانین زمین شهری، ایجاد شهرک‌های جدید، سیاست‌های مسکن و طرح‌های شهری، اسکان غیررسمی) با توجه به نرمال بودن داده‌ها از آزمون رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد. همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌گردد متغیرهای قوانین زمین شهری، ایجاد شهرک‌های جدید و سیاست‌های مسکن و طرح‌های شهری با اسکان غیررسمی در منطقه ۵ شهرداری شهر تهران رابطه مثبت و معنی‌داری داشته‌اند. در اینجا به منظور بررسی سهم و تأثیر هر یک از سه عامل قوانین زمین شهری، ایجاد شهرک‌های جدید و سیاست‌های مسکن و طرح‌های شهری در اسکان غیررسمی از ضریب رگرسیون چندگانه استفاده گردید که میزان آن در تحلیل داده‌های تحقیق برابر با  $R = ۰/۷۹۲$  است و ضریب تبیین آن نیز برابر با  $۰/۶۲۸$  است که پس از اصلاح، برابر با  $۰/۶۱۸$  می‌باشد. این ضریب بدین معنا است که می‌توان ۶۲ درصد از واریانس وجود پدیده اسکان غیررسمی در منطقه ۵ شهرداری شهر تهران را به وسیله عوامل سه‌گانه بالا تبیین نمود و ۳۸ درصد باقیمانده مربوط به عوامل دیگر است. معنی‌داری ضریب  $R^2$  با استفاده از آزمون  $F$  محاسبه شده گردیده که نتایج حاصله در جدول ۲ نشان می‌دهد که ضریب به دست آمده در سطح  $(P < ۰/۰۱)$  معنی‌دار است بنابراین می‌توان به داده‌های حاصله از رگرسیون اطمینان نمود.

**جدول ۳. شاخص‌های مربوط به تحلیل رگرسیون عوامل سه‌گانه بر اسکان غیررسمی**

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار $F$	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۲۰۷۸/۵۶۴	۳	۶۹۲/۸۵۵	۶۴/۶۸۱	۰/۰۰۱
باقیمانده	۱۲۳۱/۸۷۳	۱۱۵	۱۰/۷۱۲		
جمع	۳۳۱۰/۴۳۷	۱۱۸			

$(P < ۰/۰۱)$

همچنین مقایسه ضرایب بتا مطابق جدول ۴ نشان می‌دهد که سیاست‌های مسکن و طرح‌های شهری و قوانین زمین شهری به ترتیب سهم بیشتری در تبیین اسکان غیررسمی منطقه ۵ شهرداری شهر تهران ایفا می‌کنند که در سطح  $(P < ۰/۰۱)$  معنی‌دار می‌باشد و نقش ایجاد شهرک‌های جدید معنی‌دار نمی‌باشد.

**جدول ۴. شاخص‌های مربوط به تحلیل رگرسیون عوامل سه‌گانه بر اسکان غیررسمی**

متغیر مستقل	مقدار $B$	مقدار خطا	میزان $Beta$	مقدار $t$	سطح معنی‌داری
مقدار ثابت	-۰/۴۸۹	۱/۹۸۵	---	-۰/۲۴۶	۰/۸۰۶
قوانین زمین شهری	۰/۳۲۲	۰/۰۸۲	۰/۳۵۳	۳/۹۴۹	۰/۰۰۰
ایجاد شهرک‌های جدید	-۰/۱۴۷	۰/۱۰۶	-۰/۱۱۴	-۱/۳۷۸	۰/۱۷۱
سیاست‌های مسکن و طرح‌های شهری	۰/۵۷۷	۰/۰۷۹	۰/۵۸۸	۷/۳۴۳	۰/۰۰۰

$(P < ۰/۰۱)$



نتایج ضریب همبستگی نشان داد که بین متغیرهای قوانین زمین شهری و اسکان غیر رسمی در منطقه ۵ شهرداری شهر تهران برابر ۰/۶۷، که در سطح ۰/۰۱ درصد معنی‌دار است ( $P < 0/01$ ). بنابراین ۴۵ درصد تغییر اسکان غیررسمی مربوط به متغیر قوانین زمین شهری موجود، در منطقه ۵ شهرداری شهر تهران می‌باشد. بین متغیرهای ایجاد شهرک‌های جدید و اسکان غیررسمی در منطقه ۵ شهرداری شهر تهران برابر است ۰/۴۹ که در سطح ۰/۰۱ درصد معنی‌دار است ( $P < 0/01$ ). بنابراین ۲۵ درصد تغییر اسکان غیررسمی مربوط به متغیر ایجاد شهرک‌های جدید، در منطقه ۵ شهرداری شهر تهران می‌باشد. همچنین میزان همبستگی بین متغیرهای سیاست‌های مسکن و طرح‌های شهری و اسکان غیررسمی در منطقه ۵ شهرداری شهر تهران برابر ۰/۷۶، که در سطح ۰/۰۱ درصد معنی‌دار است ( $P < 0/01$ ). بنابراین این سیاست‌های مسکن و طرح‌های شهری موجود، موجب افزایش اسکان غیررسمی در منطقه ۵ شهرداری تهران گردیده است. بنابراین ۵۸ درصد تغییر اسکان غیررسمی مربوط به سیاست‌های مسکن و طرح‌های شهری، در منطقه ۵ شهرداری شهر تهران می‌باشد (جدول ۵).

**جدول ۵.** ضریب همبستگی پیرسون در بین عوامل سه‌گانه بر اسکان غیررسمی

متغیر مستقل	R	R <sup>2</sup>	Sig
قوانین زمین شهری	۰/۶۷	۰/۴۵	۰/۰۰۰
ایجاد شهرک‌های جدید	۰/۴۹	۰/۲۵	۰/۰۰۰
سیاست‌های مسکن و طرح‌های شهری	۰/۷۶	۰/۵۸	۰/۰۰۰

### بحث و نتیجه‌گیری

در سال ۱۳۷۴ هیأت وزیران به پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی به منظور امکان و ایجاد نظام برنامه‌ریزی واحد برای شهرهای بزرگ کشور، چارچوب طرح‌ریزی و مدیریت مجموعه شهری تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور و شهرهای اطراف آن را به تصویب رساند. مهم‌ترین اقدام بنیادین در نظر گرفته شده در این طرح که مقرر بود نتایج آن به سایر استان‌های کشور به منظور ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی تعمیم یابد، در کنار تمرکززدایی و تکمیل طرح آمایش سرزمین، فعالیت و مداخله مؤثر دولت در زمینه فراهم آوردن شبکه‌های زیربنایی، ارتباطات پیشرفته و تشویق‌ها و انگیزه‌های مالیاتی و اعتباری به منظور ساماندهی مناطق مستعد کشور در چارچوب طرح‌های مصوب ملی بود که متأسفانه معطل باقی ماند و به طور کامل اجرایی نشد. در این پژوهش به بررسی تأثیر سیاست‌گذاری‌های شهری بر اسکان غیررسمی منطقه ۵ شهرداری شهر تهران با رویکرد ساختارگرایانه پرداخته شد که با بررسی و تجزیه و تحلیل منطقه مورد مطالعه بر نتایج زیر حاصل گردید:

بر اساس نتایج بدست آمده، که بین متغیرهای قوانین زمین شهری و اسکان غیررسمی در منطقه ۵ شهرداری شهر تهران رابطه مثبت معناداری در سطح ۰/۰۱ درصد را دارا می‌باشد. در تحقیقی و دکرافت و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی مسیریابی به سوی "زندگی خوب": تولید مشترک تحقیقات رفاه در سکونتگاه‌های غیررسمی در تانزانیا بررسی کردند و این کار با تولید مشترک یک رویکرد روش‌شناختی مورد توافق و مرتبط برای مطالعه، و مستندسازی و تحلیل بعدی آن، به بینش‌های تجربی ارزشمندی در مورد ظرفیت‌ها و قابلیت‌های جوامع محلی برای شکل‌دهی و تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری شهری کمک می‌کند و تنوع تجارب و فرآیندهای و قوانین زمین شهری موجود در شهرهای قرن بیست و یکم را در اسکان غیررسمی بهتر توضیح می‌دهد. که با نتایج این تحقیق همسو می‌باشد.

در تحقیقی دیگر آبسکال و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای به بررسی حوزه‌های چارچوب محرومیت» برای نقشه‌برداری زاغه‌ها، سکونتگاه‌های غیررسمی و سایر مناطق محروم برای بهبود برنامه‌ریزی و سیاست شهری پرداختند و نتایج نشان داد که یکی از چارچوب حوزه‌های محرومیت، حکمرانی شهر (مقیاس اتصال منطقه) و قوانین شهری می‌باشد. رشیدی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تحلیل سیاست‌های شهری مواجهه با اسکان غیررسمی در ایران پرداخت بر اساس یافته‌های تحقیق، نظام برنامه‌ریزی شهری از طریق قوانین و اسناد مصوب بالادستی در کنار سایر عوامل، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری پدیده اسکان غیررسمی در شهرهای ایران باشد. در این بین ارجاع ایدئولوژیک به امور واقعی هم‌چون پایین بودن میزان شاخص‌های توسعه انسانی همچون مهارت، سواد و...، نداشتن مهارت پایین در ارتباط‌گیری با مدیران شهری و عدم توانایی در صورت‌بندی مناسب از مسائل‌شان، توانایی اقتصادی پایین ساکنین، بیگانگی با فرهنگ شهروندی و خاستگاه روستایی آنها تنها می‌تواند سرپوشی بر ناتوانی نظام‌های برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهری در نحوه برخورد با این مساله شهری در جامعه ایران معاصر باشد. که با نتایج این تحقیق همسو می‌باشد.

بر اساس نتایج بدست آمده، که بین متغیرهای ایجاد شهرک‌های جدید و اسکان غیررسمی در منطقه ۵ شهرداری شهر تهران رابطه مثبت معناداری در سطح ۰/۰۱ درصد را دارا می‌باشد. در پژوهش خاک‌پور و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی اسکان غیررسمی، ناهنجاری‌های

سعدی نژاد و همکاران: تأثیر سیاست‌گذاری‌های شهری بر اسکان غیررسمی با رویکرد ساختارگرایانه ....

شهری و راهکارهای تعدیل آن نمونه موردی: شهرک توحید بندرعباس پرداختند که یافته‌های تحقیق جهت اسکان غیررسمی، ایجاد شهرک جدید می‌باشد که با نتایج این تحقیق همسو می‌باشد. همچنین ایجاد شهرک‌های جدید نیز به منظور پاسخگویی به سرریز جمعیتی کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ و همچنین نیاز افراد کم درآمد به مسکن توسط دولت به کار گرفته شد، اما سیاست شهرک‌های جدید نیز نمونه دیگری از سیاست تبعیض‌آمیز در واگذاری زمین بر مبنای وضعیت شغلی افراد بود.

بر اساس نتایج بدست آمده، که بین متغیرهای سیاست‌های مسکن و طرح‌های شهری و اسکان غیررسمی در منطقه ۵ شهرداری شهر تهران رابطه مثبت معناداری در سطح ۰/۰۱ درصد را دارا می‌باشد. پاک‌نژاد (۱۳۹۹) به مطالعه تطبیقی تجارب جهانی در سیاست‌گذاری‌های ساماندهی اسکان غیررسمی پرداخت، نتایج این پژوهش برای ساماندهی اسکان غیررسمی ایران استفاده از سیاست‌گذاری‌های ترکیبی با توجه به عوامل کلیدی از جمله ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی زاغه‌نشینان از نهاد خانواده تا نهادهای کلان، حفظ منافع و مقاصد تمام گروه‌ها، ارتقاء شرایط محیطی به شکلی فراگیر و پایدار، بهره‌گیری از رویکرد مشارکتی همراه با ساختار پشتیبانی دولت و سازمان‌های محلی، هم‌خوانی با توانایی‌های مکانی و نهادی است.

با توجه به این فرآیند، نظریه‌پردازان، سیاست‌های دولت را در تمرکز شهرنشینی و شکل‌گیری اسکان غیررسمی به عنوان یک متغیر مستقل تشخیص دادند و به تبع آن طرفداران دیدگاه اصلاح‌طلبی، سیاست‌های مشارکتی از قبیل توانمندسازی را یکی از راهکارهای ساماندهی اسکان غیررسمی مطرح نمودند.

## راهکارها

با توجه به نتایج تحقیق حاضر مبنی بر نقش سیاست‌های مسکن، طرح‌های شهری، قوانین زمین شهری و ایجاد شهرک‌های جدید در اسکان غیررسمی منطقه ۵ شهرداری شهر تهران راهکارهای زیر پیشنهاد ارائه می‌گردد.

✓ نسبت به تدوین قوانین زمین شهری متناسب با مشکلات حاشیه‌نشینی و مصوب نمودن آن جهت تغییر کاربری زمین‌های واقع در مناطق حاشیه‌ای.

✓ تعریف ساز و کارهای مناسب در مدیریت زمین شهری به مثابه اصلی‌ترین نهاد تولید مسکن.

✓ تلاش مستمر برای تصویب قوانین کارآمد و بازنگری قوانین موجود برای کاهش معضلات حاشیه.

✓ بازنگری در قوانین ایجاد شهرک‌های جدید و نظارت بیشتر بر ایجاد این شهرک‌ها.

✓ جانمایی صحیح از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهت شهرهای جدید.

✓ تغییر سیاست‌های مسکن و طرح‌های شهری در راستای پیشگیری از توسعه ساخت و ساز در مناطق حاشیه‌ای.

✓ توجه به نقش مدیریت یکپارچه شهری در ساماندهی اسکان غیررسمی در مقیاس خرد با تأکید بر شهرداری‌ها.

✓ طراحی الگوی مدیریت مهار، کاهش و حذف آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی مناطق حاشیه‌نشین.

✓ انسجام ساختاری میان ارگان‌های سیاست‌گذاری و اجرایی (دولت و شهرداری‌ها) به منظور مدیریت یکپارچه منطق حاشیه‌ای.

## References

- Abascal, A., Rothwell, N., Shonowo, A., Thomson, D. R., Elias, P., Elsey, H., ... & Kuffer, M. (2022). Domains of deprivation framework” for mapping slums, informal settlements, and other deprived areas in LMICs to improve urban planning and policy: A scoping review. *Computers, environment and urban systems*, 93- 101.
- Abebe, F. K. (2011). *Modelling informal settlement growth in Dar es Salaam, Tanzania* (Unpublished master thesis). University of Twente, Netherlands: Enschede.
- Arzhengi Mustali Biglou, H., Mohammadi, A. (2019). Choosing the right solution for organizing informal settlements using multi-criteria decision-making methods, *Economic Geography Research Quarterly*, 1(1): 63-78. (In Parsian)
- Athari, K. (2012). Justice in space. *Haft Shahr Architecture and Urban Development Journal*, 1(9,10):25-32. (In Parsian)
- Ayeb-Karlsson, S., Kniveton, D., & Cannon, T. (2020). Trapped in the prison of the mind: Notions of climate-induced (im) mobility decision-making and wellbeing from an urban informal settlement in Bangladesh. *Palgrave Communications*, 6(1), 1-15.

- Dovey, K., Van Oostrum, M., Chatterjee, I., Shafique, T. (2020). *Towards a morphogenesis of informal settlements*. Habitat International, 104:102240.
- Durand-Lasserre, A. (2006). Informal settlements and the Millennium Development Goals: Global policy debates on property ownership and security of tenure. *Global Urban Development*, 2(1):1–14.
- Fernandes, E. (2011). *Regularisation of informal settlements in Latin America*. Lincoln Institute of Land Policy: Cambridge, MA.
- Huchzermeyer, M. (2003). Housing rights in South Africa: Invasions, evictions, the media, and the courts in the cases of Grootboom, Alexandra, and Bredell. *Urban Forum*, 14(1): 80–107.
- Khakpour, B; Biranvandzadeh, M; Rostam Ghorani, E & Sarkh Kamal, K. (2010). Informal settlement, urban anomalies and its adjustment solutions, case example: Tawheed Bandar Abbas settlement. *Geospace*, 11(34): 156-181. (In Parsian)
- Kyessi, A. & Sakijege, T. (2014). Formalizing Property Rights in Informal Settlements and its Implications on Poverty Reduction: The Case of Dar es Salaam, Tanzania. *Journal of Business and Economics, Academic Star Publishing Company*, 5(12), 2353-2371.
- Kyessi, A.G. (2002). *Community participation in urban infrastructure provision: Servicing informal settlements in Dar es Salaam, Tanzania*. PhD Thesis. SPRING, Dortmund: University of Dortmund.
- Magina, F. B., Kyessi, A., & Kombe, W. (2020). The Urban Land Nexus– Challenges and Opportunities of Regularising Informal Settlements: The Case Studies of Dar es Salaam and Mwanza in Tanzania. *Journal of African Real Estate Research*, 5(1), 32-54.
- Matamanda, AR. (2020). Battling the informal settlement challenge through sustainable city framework: Experiences and lessons from Harare, Zimbabwe. *Development Southern Africa*, 37(2):217–231.
- Muchadenyika, D. (2015). Land for housing: A political resource: Reflections from Zimbabwe's urban areas. *Journal of Southern African Studies*, 41(6):1219–1238.
- Paknejad, N. (2019). A comparative study of global experiences in informal settlement organizing policies. *Journal of Construction Engineering and Housing Sciences*, 13(2): 13-21. (In Parsian)
- Rashidi, J. (2015). Analysis of urban policies dealing with informal settlement in Iran. International conference on civil engineering, architecture and urban landscape, Istanbul University, Turkey. (In Parsian)
- Sandoval, V., & Sarmiento, J. P. (2020). A neglected issue: Informal settlements, urban development, and disaster risk reduction in Latin America and the Caribbean. *Disaster Prevention and Management: An International Journal*, 29(5), 731-745.
- Scar, Elliot D & et al. (2005). *The 21st century health challenge of slums and cities*, London: The lancet.
- Shakoui, H. (2010). Geography and postmodernism. *Journal of Geographical Research*, 17(4): 62-74. (In Parsian)
- Shakoui, H. (2015). *Applied geography and its schools*. Tehran: Quds Province Publications. (In Parsian)
- Shakoui, H. (2015). *Environmental philosophies and geographical schools*. Tehran: Gitalogi. (In Parsian)
- Sinharoy, S. S., Pittluck, R., & Clasen, T. (2019). Review of drivers and barriers of water and sanitation policies for urban informal settlements in low-income and middle-income countries. *In Conference on Housing and Sustainable Urban Development – Habitat III*, Issue Paper No. 22.
- Turkmanian, N; Ghorbani, R & Kharazmi, O.A. (2017). Systematic evaluation of the factors of formation and expansion of informal settlements in Mashhad metropolis. *Journal of Geography and Urban Space Development*, 5(2): 24-42. (In Parsian)
- United Nations (2014). *World Urbanization Prospects*. New York: United Nations.

- United Nations (2016). *The World Cities in 2016*. New York: United Nations .
- United Nations High Commissioner for Refugees. (2014). *Global strategy for settlement and shelter: A UNHCR strategy 2014–2018*. United Nations High Commissioner for Refugees: Geneva Switzerland.
- United States Agency for International Development. (2019). *Accountable democratic action through social cohesion: Informal settlements profiling and eviction tracking survey findings*. Development Innovations Group, Bethesda, MD, USA.
- Weimann, A., & Oni, T. (2019). A systematised review of the health impact of urban informal settlements and implications for upgrading interventions in South Africa, a rapidly urbanising middle-income country. *International journal of environmental research and public health*, 16(19), 3608.
- Westaway, Margaret S.(2006), A longitudinal investigation of satisfaction with personal and environmental quality of life in an informal South African housing settlement, Doornkop, Soweto. *Habitat International* , 30: 175–189.
- Woodcraft, S., Osuteye, E., Ndezi, T., & Makoba, F. D. (2020). Pathways to the ‘good life’: Co-producing prosperity research in informal settlements in Tanzania. *Urban Planning*, 5(3), 288-302.
- Zali, N; Rahmati, Y & Chare, N. (2014). Evaluation and criticism on the plan of organizing and empowering the informal settlements of Shiraz; A case study of Mehdi Abad neighborhood. *Urban Research and Planning*, 6(23): 115-132. (In Parsian)
- Zhang, L. (2011). The political economy of informal settlements in post-socialist China: The case of chengzhongcun(s). *Geoforum*, 42(4):473–483.

ارژنگی مستعلی بیگلر، حجت؛ محمدی، علیرضا. (۱۳۹۹). انتخاب راهکار مناسب ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی با استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای اقتصادی، ۱(۱): ۷۸-۶۳.

اطهری، کمال. (۱۳۸۱). عدالت در فضا. نشریه معماری و شهرسازی هفت شهر، ۱(۹،۱۰): ۲۵-۳۲.

پاک‌نژاد، نوید. (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی تجارب جهانی در سیاست‌گذاری‌های ساماندهی اسکان غیررسمی. نشریه مهندسی ساختمان و علوم مسکن، ۱۳(۲): ۱۳-۲۱.

ترکمن‌نیا، نعیمه؛ قربانی، رسول و خوارزمی، امیدعلی. (۱۳۹۷). ارزیابی سیستمی عوامل شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی کلان‌شهر مشهد. *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۵(۲): ۴۲-۲۴.

خاک‌پور، براتعلی؛ بیرانوندزاده، مریم؛ رستم‌گورانی، ابراهیم و سرخ‌کمال، کبری. (۱۳۹۰). اسکان غیررسمی، ناهنجاری‌های شهری و راهکارهای تعدیل آن نمونه موردی: شهرک توحید بندرعباس. *فضای جغرافیایی*، ۱۱(۳۴): ۱۵۶-۱۸۱.

رشیدی، جمال. (۱۳۹۵). تحلیل سیاست‌های شهری مواجهه با اسکان غیررسمی در ایران. *کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و منظر شهری*، دانشگاه استانبول، ترکیه.

زالی، نادر؛ رحمتی، یوسف و چاره، نجمه. (۱۳۹۴). ارزیابی و نقدی بر طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شیراز: مطالعه موردی محله مهدی آباد. *پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۶(۲۳): ۱۱۵-۱۳۲.

شکویی، حسین. (۱۳۸۰). جغرافیا و پست مدرنیسم. *مجله تحقیقات جغرافیایی*، ۱۷(۴): ۷۴-۶۲.

شکویی، حسین. (۱۳۸۵). *جغرافیای کاربردی و مکتب‌های آن*. تهران: انتشارات استان قدس.

شکویی، حسین. (۱۳۸۵). *فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی*. تهران: گیتاشناسی.

#### Copyrights

© 2022 by the authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)

